

## آمریکا چگونه از بحران اقتصادی خارج شد؟

( برگرفته از نتایج مطالعات آقای محمد طیبیان، صاحب نظر پولی و رییس سابق موسسه علوم بانکداری )



بسته ای که دولت و بانک مرکزی آمریکا برای خروج از بحران تدوین و اجرا کرده‌اند، توانسته شرایط را تا حد قابل قبولی بهبود بخشد. اصلاحات دولت ایالات متحده سه محور اساسی داشته است:

- ۱ - حمایت و کمک به بازسازی بازار پول برای تزریق نقدینگی به تولید
- ۲ - کمک به بازسازی بازار سهام (بازار ثانویه) برای حمایت از تولید (بازار اولیه)
- ۳ - حمایت از بازار اشتغال با هدف کنترل بیکاری و مهم‌تر از آن ایجاد درآمد برای اقشار مختلف جامعه تا بتوانند محصولات تولید شده را خریداری کنند یا اقساط خود را پردازند.

این سه محورا اساسی سه ضلع مثلث بسته حمایتی دولت آمریکا از اقتصاد را تشکیل داد. محمد طیبیان همچنین گفت: کمک‌های اعطایی دولت آمریکا از دو مسیر یکی از بالا و دیگری از پایین جامعه به اقتصاد این کشور تزریق شده است.

۷ در طریق اول دولت با اعطای وام به موسسات و بانک‌های بزرگ و تقویت نهادهای پولی و مالی در واقع زمینه تزریق نقدینگی به بخش تولید از بالا را فراهم کرد، این کار هم باعث گردش چرخ تولید و هم مانع گسترش بیکاری در کشور شد. ضمناً بعد از اینکه دولت به چند بانک بزرگ تسهیلات داد، این بانک‌ها پس از چند ماه هم اکنون دارند تسهیلات دریافتی خود را همراه با سود پس می‌دهند. به عبارت دیگر این پول‌ها خیلی زود در حال بازگشتن است.

۷ در طریق دوم دولت کمک‌های خود را از سطوح پایین جامعه اعمال کرد. به عبارت دیگر به خانواده‌هایی که نمی‌توانستند وام‌های خود را به بانک‌ها پرداخت کنند، کمک و شرایطی فراهم کرد که بانک‌هایی که مجبور به مصادره اموال تسهیلات‌گیرندگان بودند، جلوی این کار گرفته شود. بخش دیگری از کمک‌ها هم از طریق افزایش بودجه کارهای عمرانی انجام شد. اکنون در آمریکا می‌بینیم که فعالیت‌های عمرانی زیادی در سطح شهرها و جاده‌ها، از زیرسازی پل‌ها گرفته تا ترمیم پارک‌ها و راه‌ها در حال انجام است. در واقع دولت با تامین منابع این فعالیت‌ها به بخش پایین جامعه پول تزریق کرده تا در میان اقشار کم درآمد جامعه شغل و درآمد ایجاد کند.

در گام بعدی دولت تلاش کرد که به شرکت‌های بزرگ که دچار مشکل هستند، همراه با بازسازی ساختار کمک مالی کند. نمونه آن شرکت جنرال موتورز است که دولت این شرکت را تبدیل به شرکت جدید کرد. بدین شکل که شرکت‌های زیانده را از شرکت حذف و قسمت‌های سودآور مانند کادیلک را به یک شرکت جنرال موتورز جدید تبدیل کرد. دولت بعضی از موسسات زیانده مانند «فردی مک» را که قبلاً دولتی و به مرور خصوصی شده بود، مجدد تملک کرد و در واقع سهامداران این دسته شرکت‌ها سهامشان را به دولت پس فروختند و دولت نیز اقدام به بازسازی این شرکت‌ها کرد و قرار است تا در آینده مجدداً سهام این شرکت‌ها در بورس فروخته شده و پول دولت برگردد.

بعضی از افراد انتقاد دارند که چرا در این بسته کمک‌ها بیشتر از بالا و در واقع به بانک‌ها و موسسات مالی صورت گرفته، در حالی که بخش عمده کمک‌ها می‌بایست از پایین تزریق می‌شد. اما نکته مهم این است که منتقدان در واقع به نسبت‌های کمک‌های انجام شده نقد وارد می‌دانند، اما به اصل و نحوه کمک‌ها انتقاد ندارد. وی گفت: در نهایت اینکه دولت آمریکا و «فدرال رزرو» (بانک مرکزی این کشور) در قالب یک بسته روی بخش‌های مختلف با درصدهای مختلف متمرکز شد و اکنون می‌بینیم که اقتصاد آمریکا کم کم از بحران خارج می‌شود. در این میان پیشنهادهای جدید هم مطرح است که کاملاً نو و بدیع به نظر می‌رسد. از جمله این که برخی اقتصاددان‌ها معتقد هستند در این مقطع باید از محل دارایی کسانی که بهره‌مند هستند، برای بالا کشیدن و حمایت از ضعیف‌ها سرمایه‌گذاری انجام شود و منابعی از طریق اخذ مالیات از ثروتمندان برای حمایت از فقرا فراهم شود. وی گفت: یکی دیگر از راهکارهایی که مطرح شده، آن است که دولت وارد شود و بعضی پس‌اندازها را به تولید ناخالص ملی مرتبط کند تا در نتیجه بحران‌ها ارزش کل دارایی‌ها به یکباره تنزل نکند. یکی از مشکلات پس از بحران این بود که بانک‌ها و بازار نمی‌توانستند دارایی‌ها را ارزش‌گذاری کنند. در نتیجه انجام بسیاری از امور از جمله گذاشتن وثایق و ... رونق خرید و فروش با ابهام و اشکال مواجه می‌شد. همچنین برای مثال وام‌های مسکن مشروط پرداخت شود. به این شکل که وقتی فردی مثلاً وام ۴۰۰ هزار دلاری برای خرید واحد مسکونی دریافت کرد، چنانچه تحت شرایطی قیمت این واحد به زیر ۴۰۰ هزار دلار رسید، این شخص واحد مسکونی خود را به بانک واگذار نکند، بلکه به جای آنکه دولت در آخر به کمک این افراد بیاید از ابتدای این مساله در قرارداد گنجانده شود و در واقع بیمه‌ای برای خریدار پیش‌بینی شود.

تصور ما این است که اقتصاد آمریکا در حال فروپاشی است، در حالی که این طور نیست. برای این کار مثالی بزنم، وقتی یک گاری با سرعت پایین حرکت می‌کند وقتی سنگی با آن برخورد کند، ممکن است صدمه چندانی به گاری وارد نشود، اما اگر همان سنگ به یک قطار سریع‌السیر برخورد کند صدمه زیادی ایجاد خواهد کرد. در خصوص بحران اقتصاد در جهان نیز همین طور است. کشورهایی که اقتصادشان با سرعت پایین در حرکت است، صدمه بسیار کمتری نسبت به اقتصادهای با رشد سریع خوردند. در آمریکا کسی منتقد این نیست که چرا به مردم و فقرا وام داده شده تا مسکن بخرند، بلکه نقد را بر سیاست‌ها وارد می‌دانند که چرا دولت زمینه را برای توسعه بازار کار و اشتغالزایی فراهم نکرده تا دریافت‌کنندگان وام بتوانند اقساط خود را به موقع پرداخت کنند. در واقع یکی از دستاوردهای اقتصاد آمریکا آن است که افراد زیادی در اقشار کم‌درآمد جامعه توانسته‌اند خانه دار شوند. نکته حائز اهمیت اینکه بحران در عین حال دستاوردهای بسیار خوبی برای اقتصاد جهان ایجاد خواهد کرد.

منبع: <http://www.donya-e-eqtasad.com>؛ تاریخ: ۲۶-۶-۱۱

تهیه‌کننده: علی فلاح مسینی (۴۵۲۱)

بمنظور صرفه جویی در مصرف کاغذ و حفظ محیط زیست؛ خواهشمند است فقط در مواقع "کاملاً ضروری" از این گزارش پرینت تهیه گردد.

